

رابطه آوایی - محتوایی کلام در نهج البلاغه (مطالعه موردی: خطبه قاصعه)

سودابه مظفری^۱
فاطمه خرمیان^۲

چکیده

از میان لایه‌های چهارگانه زبان شناسی (آوایی، معنایی، صرفی، نحوی) لایه‌های آوایی اولین بخش ماهیت زبانی را تشکیل می‌دهد که موسیقی خاصی به واژگان می‌بخشد و نقشی مهم را در انتقال پیام به مخاطبان ایفا می‌کنند. از آن جا که نهج البلاغه بعد از قرآن عالی‌ترین نمونه بلاغت و فصاحت به شمار می‌رود از نشانه‌های آوایی برای القای معنا به مخاطب بیش‌ترین بهره را برده و گزینش و چینش واژگان در آن به گونه‌ای است که موسیقی الهام بخشی را تداعی می‌کند و محتوای موضوعی را به تصویر می‌کشد.

این مقاله با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی به تبیین ارزش معنایی دقیق آوا و آرایه جایگاه آن در خطبه قاصعه پرداخته است تا نشان دهد که چگونه استفاده از آواهای خاص در موقعیت‌های کلامی مختلف، راه را برای فهم معنای مقصود توسط مخاطب هموار ساخته و اوج بلاغت گوینده را به اثبات رسانده است.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، خطبه قاصعه، آواشناسی، تحلیل محتوایی.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران soud42_moz@khu.ac.ir

۲- دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی تهران saman_sozankhormian@yahoo.com

مقدمه

هر واژه از تعدادی حروف و آوا تشکیل یافته است. این آواها گرچه از دیدگاه عوام بی معنا هستند؛ اما زبان شناسان آن‌ها را دارای بار معنوی دانسته‌اند که در معنا و محتوای متن تأثیری به سزا دارند. چنان که نمی‌توان انکار کرد "ماهیت زبان به عنوان نظامی از علایم ایجاب می‌کند که هر لفظ بین ساخت صوتی از یک طرف و ساخت معنایی از طرف دیگر، پیوند معنایی برقرار کند" (بی‌برویش، ۱۳۶۳: ۸۳)

صوت را از دو دیدگاه می‌تون بررسی کرد: آواشناسی و واج‌شناسی. در "آواشناسی" کوشش می‌شود که روش، نظام و الگویی عرضه گردد که با استفاده از آن بتوان هر صدایی را توصیف نمود، اما "واج‌شناسی" اصوات را به عنوان کوچک‌ترین واحد زبانی که از ترکیب آن‌ها واژه‌ها و عبارات‌ها ساخته می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌دهد. (باقری، ۱۳۶۷: ۹۰)

دانشمندان، صوت و تأثیر آن را در آشکار شدن معنا مهم می‌دانند؛ احمد الأخضر غزال^(۱) بحثی را با عنوان فلسفه حرکات در زبان عربی عنوان کرده و در آن کوشیده است تا اثبات کند بین لفظ و معنا مناسبتی وجود دارد که از طریق صوت حاصل می‌شود. (قربانپور، ۱۳۹۱: ۷)

از این رو، یکی از زیباترین آرایه‌های علم بدیع تناسب لفظ با معنا است؛ این آرایه چنان مهم است که بررسی و تفصیل آن به تأسیس علمی مهم به نام "دلالت صوتی" (معنا شناسی آوایی) منجر شده است. (مالکی، ۱۳۸۹: ۹) طبیعی است که متکلم فصیح و بلیغ برای گزینش الفاظ و عبارات متناسب با هر موضوعی، از تکرار اصواتی خاص که آن موضوع را در ذهن تداعی می‌کند بهره می‌گیرد، مثلاً واژه‌های الفاظ خشن و حماسی، پرتنین و پرتطمراق هستند و واژه‌های مرتبط با عواطف و احساسات از ویژگی نرمی و لطافت برخوردار می‌باشند. نهج البلاغه به عنوان تالی تلو قرآن کریم، از این صنعت به خصوص در خطبه‌ها بهره‌ای وافر برده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

در حوزه دلالت صوتی با عناوین مختلف معناشناسی، آواشناسی و جز آن‌ها در خطبه قاصعه مطالعات و پژوهش‌های بسیار انجام شده است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

– مقاله «تحلیل سبک شناختی خطبه قاصعه» نوشته سید مهدی مسبوق و همکاران که در فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، دوره ۱، شماره ۴، سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است. «با رویکرد سبک

شناختی به بررسی این خطبه پرداخته و با به کارگیری تکنیک واج آرای و موسیقی معنوی در کنار محسنات بدیعی خطبه را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

- مقاله «نقد فرمالیستی خطبه قاصعه» نگارش علی نجفی ایوکی و نیلوفر زریوند، چاپ شده در فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال ۷، شماره ۱۵ در سال ۱۳۹۴. که در خصوص حروف، واژگان و جملات متن خطبه در راستای القای معانی فراتر از معنای فرهنگ نامه ای آن‌ها تحلیل و بررسی کرده است.

- در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «فاطمه و رمزپادی با موضوع "سبک شناسی لحن نهج البلاغه" (با محوریت خطبه قاصعه) و به راهنمایی قاسم مختاری از دانشگاه اراک، سال ۱۳۹۲» نویسنده به بررسی تأثیر لحن به عنوان یکی از شگردهای آوایی پرداخته است.

- رساله دکتری ماجد نجاریان با عنوان "الدلالة الصوتية في القرآن الكريم" از دانشگاه اصفهان، که در آن دلالت اصوات در چهار سطح مصوت، صامت، الفاظ و ترکیب‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است؛ اما در حوزه نهج البلاغه، دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد وجود دارد که عبارت است از:

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد ام البنین مالکی از دانشگاه اصفهان، با عنوان "الدلالة الصوتية في خطب نهج البلاغه" که در آن نگارنده با نگاهی کلی به خطبه‌های نهج البلاغه، به موسیقی متن و دلالت صوتی آن و انواع محسنات بدیعی که با بار معنایی و صوتی خود به فهم معنا کمک کرده، پرداخته است.

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد منصوره حسنی، با عنوان "بررسی مقایسه‌ای ساختار آوایی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه" از دانشگاه بین المللی امام خمینی علیه السلام که در آن، خطبه‌ها با موضوعات مختلف مذهبی، سیاسی، علمی و دیگر موارد تقسیم بندی گردیده و به بررسی آوایی خطبه‌های ۶۵، ۸۳، ۹۳، ۱۱۱ و ۱۱۵ پرداخته شده است.

اما بررسی آوایی خطبه قاصعه که محور اصلی این مقاله است مورد توجه پژوهش‌های نام برده نبوده است، امتیاز مقاله حاضر در این می‌باشد که علاوه بر تحلیل و بررسی صوت و آوای کلام، به نحوه گزینش و چینش واژگان که تأثیری ویژه با ایجاد ضرب‌آهنگ خاص برای جلب توجه بیش‌تر مخاطب دارد، نیز پرداخته است.

۲-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

از آن جا که نهج البلاغه بعد از قرآن زیباترین متن ادبی و نمونه کامل بلاغت و فصاحت به شمار می‌رود، در زمینه‌های مختلف از نشانه‌های آوایی جهت فهم بهتر مقصود به مخاطب خود بیش‌ترین بهره را برده است. عبارت پردازی‌های زیبا، آرایش لفظی و آهنگ کلام امام علیه السلام به محتوای سخن جان

می‌بخشد و روح مخاطب را به تسخیر در می‌آورد. گزینش و چینش واژگان به گونه‌ای است که موسیقی الهام بخشی را تداعی کرده و با توجه به محتوای موضوعی آن را به تصویر کشیده است. بنابراین پرداختن به نقش آوا و جایگاه آن در سخنان آن حضرت در راستای درک صحیح و عمیق آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۳-۱. روش پژوهش

با عنایت به نقش برجسته و اثرگذار آوا در جذب و جلب مخاطبان و فهم بهتر مقصود صاحب اثر، در این مقاله برآن هستیم تا با روش توصیفی-تحلیلی از طریق همگونی موسیقی و ریتم کلام با معنا و هماهنگی گزینش واژگان با آوا و ساختار جملات و فصاحت واژگان و کاربست آن در خطبه قاصعه، نقش موسیقی متن و دلالت آوایی، آهنگ و ریتم لفظ، هماهنگی در الفاظ و ریتم موسیقی حاصل از آن در رساندن معنای مقصود را بررسی نماییم.

۴-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. مشخصه های آوایی اثرگذار در خطبه کدام است و کیفیت کاربست آن‌ها در زنجیره آوایی کلام حضرت در خطبه چگونه بروز و ظهور می‌یابد؟
۲. ویژگی‌های آوایی مؤثر در برانگیختن عواطف و احساسات شنونده کدام هستند؟
۳. نقش و جایگاه آواها در بخش‌های مختلف خطبه قاصعه برای رساندن معنای مقصود و انتقال پیام به مخاطب چیست؟
۴. کارکردهای معنایی و بلاغی چینش حروف در خطبه مذکور چگونه است؟

۲. آوا و معناشناسی آوا

از نظر زبان‌شناسان، زبان اساساً آواهایی است که بشر برای انتقال مفاهیم ذهنی خود آن را به کار می‌گیرد (خاقانی، فضیلت: ۱۳۹۳: ۷۹). آوا یا صوت در لغت به معنای زنگ جرس است (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۲۲۵۷/۱). آوا امواج محسوسی است که در فضا حرکت کرده و بسته به شدت نوسانات خود، بخشی از آن در گوش می‌ماند و بر شادی، اندوه، نهی، امر و جز این امور دلالت دارد (علی الصغیر، ۲۰۰۰: ۱۴)، به عبارت دیگر، صوت یا آوا پدیده‌ای است که بدون درک کنه آن نیز می‌توان تأثیرش را به خوبی احساس کرد. (حسنی، ۱۳۹۳: ۱۵)

ابن جنی صوت را این گونه تعریف می‌کند: «صوت پدیده‌ای است که به صورت پیوسته با نفس خارج شده و در حلق، دهان و لب‌ها به مقاطعی برخورد می‌کند و از کشش باز داشته می‌شود که در این حالت به آن حرف گفته می‌شود.» (ابن جنی، ۱۹۵۲: ۶)

صوتی که انسان هنگام سخن گفتن برای بیان خواسته‌های خود ایجاد می‌کند موضوع علم آواشناسی است که به بررسی واحدهای تشکیل دهنده کلمات، صفات و مخارج آن‌ها می‌پردازد. (کانتینو، ۱۹۶۱: ۱۷) در حقیقت آواشناسی، مطالعه و ویژگی صداهای زبان است. (یول، ۱۳۷۰: ۵۹) در آواشناسی، مبنای توصیف آواها طرز تولید، ماهیت فیزیکی یا طرز دریافت آن‌ها به شمار می‌رود. (حق‌شناس، ۱۳۷۶: ۷۶)

معناشناسی آوایی^۱ از سه بخش آوا، معنا و رابطه میان آن دو تشکیل می‌شود، از این رو، کشف و ارتباط میان نشانه‌های آوایی و متغیرهای حاصل از آن‌ها با مدلول‌های معنایی جهت ایجاد سطح‌های مختلف معنایی و تصویرسازی ذهنی برای مخاطب، حالات و صفات گوینده، "معناشناسی آوایی" خوانده می‌شود. (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۴: ۴۳) بر این مبنا متغیرهای آوایی و صوتی به خودی خود، علاوه بر آن که ممکن است دارای اثر وضعی باشند، می‌توانند نماد و سمبلی از معانی شوند و به عنوان نشانه‌هایی اعتباری برای انتقال مفاهیم مورد استفاده قرار گیرند. (همان، ۴۴)

آنچه معناشناسی به دنبال آن است بررسی شرایط تولید و دریافت معنا در گفتمان است، واژه تولید ما را با مسؤل گفتمان؛ یعنی گفته پرداز و واژه دریافت ما را با مخاطب گفتمان؛ یعنی گفته خوان روبه‌رو می‌سازد. (قربانپور، ۱۳۹۱: ۲۳) معناشناسی آوایی را می‌توان در دو حوزه پی‌گیری نمود:

الف - کشف نشانه‌های آوایی و ارتباط آن‌ها با معانی که سبب مدلولی جدید می‌گردد؛

ب - معناشناسی آوایی واژگان و جملات که در این قسمت، آواها خود نشانه‌هایی در جهت کشف معنا هستند و نوعی تصویر سازی ذهنی از معانی و مقاصد را برای مخاطب ایجاد می‌کنند که واقعیات، اوضاع یا صفات درونی گوینده را نشان می‌دهند. (آلبویه و نظری، بی‌تا: ۴۴)

۳. تاریخچه آواشناسی در عربی

در زبان عربی از زمان نزول قرآن، علم آواشناسی با انگیزه ادای صحیح الفاظ قرآنی با عنوان علم تجوید مورد عنایت پژوهشگران قرار گرفت. (خاقانی و فضیلت، ۱۳۹۳: ۴) اما اولین زبان شناس عرب که به اصوات توجه داشت "خلیل بن احمد فراهیدی" بود و معجم "العین" را بر اساس مخارج حروف

قرار داد و این کار بعد از او توسط شاگردش سیبویه ادامه یافت که بحث اصوات را تحت عنوان ادغام در کتاب معروف خود "الکتاب" مطرح کرد (مهدی عواد، ۲۰۰۸: ۱۱۵)، او چندین باب از کتابش را به مباحث آوایی اختصاص داد. (حاجی زاده، ۱۳۸۸: ۴۳) بعد از سیبویه، ابن درید و ابن جنی مباحث آوایی خود را اعلام کردند. (ابوزید، ۱۹۹۲: ۲۹۲) از نظر ابن جنی، شکل و خصوصیت صوتی کلمات بی ارتباط با معنای آن نیست. (اختیار، ۱۳۴۸: ۱۱۹) ابن سینا در کتاب "مخارج حروف" خود به طبقه بندی آواها و توصیف آن پرداخت. (صفوی، ۱۳۸۶: ۱۲۱) در میان معاصران نیز حسن عباس بیش از همه به خاصیت صوتی و معنایی حروف توجه کرده است، او در بررسی‌هایی که انجام داده برای همه حروف خصایصی را معین نموده است. (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷) به عنوان مثال او برای حرف "دال و قاف" معنای کوبندگی و شدت و صلابت را برمی‌شمارد و حرف "راء" را دال بر تکرار و تحرک می‌داند و برای "زاء و ضاد" اضطراب و شدت را بیان می‌کند. برای "لام" التزام و پیوستگی و برای "میم" صفت جمع کردن و بستن را که مطابق با تلفظ این حرف است، قایل می‌باشد. (همان)؛ اما در غرب، علم آواشناسی از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه قرار گرفت. (پیرکومله، ۱۳۹۳: ۲۶)

۴. تأثیر لحن در درک معنا

کشف لحن در یک کلام، بر اساس دلالت‌های آوایی موجود در آن صورت می‌گیرد که مجموع دلالت‌های آوایی، همان جریان آوایی کلام یا ریتم را می‌سازند که شناخت آن ما را به لحن متکلم و در نهایت هدف از ایراد آن می‌رساند. (فلاح و شفیعی پور، ۱۳۹۴: ۴۷)

ریتم یا لحن کلام را می‌توان به دسته‌هایی مختلف تقسیم کرد، از جمله تقسیم بر اساس نرمی و کندی و سرعت و کوبندگی که در این خطبه به چشم می‌خورد.

در ریتم کند و نرم، از آوایی استفاده می‌شود که دارای رخوت هستند؛ یعنی هنگام تلفظ هوا به شدت حبس نمی‌شود، تنها در هنگام خروج هوا مجرای صداها تنگ می‌شود و به واسطه این تنگی مجرا، هوا در حین عبور از مخارج صدا نوعی سایش ایجاد می‌کند. (پورفرزیب، ۱۳۷۷: ۵۱) این ریتم در مواردی که لحن آهسته و منقطع است، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در پاره‌ای از موارد حامل معنایی کنایه آمیز است. گاهی کندی و آهستگی موجب صلابت در سخن یا نشان دهنده اهمیت موضوع می‌باشد، گویی متکلم در این ریتم به دنبال آن است که مخاطب تمام مطالب را دریافت کند و به آن عمل نماید. (فلاح و شفیعی پور، ۱۳۹۴: ۴۸) از نشانه‌های این نوع ریتم واکه^(۱) (مصوت)های کشیده و بلند، مد

و غنةٔ فراوان، همخوان^(۳) (صامت)های نرم و آرام، استفاده از حروفی که همراه با قطع نفس می‌باشند (تقطیع پلکانی) و بعضی صنایع لفظی مثل جناس هست. (همان)

اما در ریتم سریع و کوبنده از حروف شدید و آواهای انفجاری بیش‌تر استفاده می‌شود، حروفی که هنگام تلفظ صوت نفس از غایت شدت و قوت حبس می‌شود (پورفرزیب، ۱۳۷۷: ۱۵۱). صداهایی که دارای صفت شدت هستند هوا در مخرج هر یک از آن‌ها حبس می‌گردد، جلوی عبور هوا گرفته می‌شود سپس با رهایی از این مخرج، هوا صدایی انفجاری پدید می‌آورد، مثل: "ا، ب، ت، د، ط، ک، ق: و...". (انیس، ۱۳۷۴: ۲۳)

عباراتی که به دنبال سرعت در امر یا دستور فوری، حتی در پاره‌ای از موارد تحقیر و یا بیانی با هیجان هستند بر این ریتم می‌آیند. هم‌چنین گاهی از ریتم کوبنده برای تهدید و توییح و یا شدت در عمل استفاده می‌شود. استفاده از همخوان‌های انفجاری، با استفاده زیاد از تشدید، به کارگیری واژه‌های کوتاه، طول کوتاه عبارات، سبب ایجاد چنین ریتمی می‌شود. (فلاح و شفیع پور، ۱۳۹۴: ۴۹)

۵. مختصری از خطبةٔ قاصعه

خطبةٔ قاصعه، خطبةٔ ۱۹۲ نهج البلاغه و از طولانی‌ترین خطبه‌های امام علی علیه السلام است که آن را در سال ۴۰ قمری در حالی که بر مرکبی سوار بود ایراد فرمود. (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱) این خطبه حاوی یک سلسله مباحث اعتقادی و اخلاقی است و مسئلهٔ کبر در آن به عنوان یک رذیلت اخلاقی مورد بحث قرار گرفته که مصداق بارز آن شیطان است. آن حضرت در این خطبه به مردم هشدار می‌دهد که از پیمودن راه شیطان برحذر باشند.

در وجه تسمیهٔ این خطبه اقوال مختلف است، از جمله ابن ابی الحدید قاصعه را از "قَصَع"؛ یعنی گرداندن آب در دهان به طوری که کف کند، معنا کرده است، چون مرکبی که آن حضرت در هنگام ایراد خطبه بر آن سوار بود، مشغول نشخوار بود به گونه‌ای که از دهانش کف بیرون می‌زد. (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۵: ۵۹/۴) ابن منظور نیز در لسان العرب ذیل معنای "قَصَع" این معنی را آورده است. (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۳۲۴۲/۲) گروهی دیگر "قَصَع" را "أزال" معنا کرده اند یعنی هر کس با وجدان بیدار آن خطبه را بخواند روحیهٔ تکبر از او زایل می‌شود (منتظری، ۱۳۶۸: ۹)، و برخی نیز قاصعه را تحقیر کننده معرفی کردند، چون امام علیه السلام در خطبه شیطان را تحقیر می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۹۲/۵)

محتوای خطبه را می‌توان به ۱۵ بخش فرعی تقسیم نمود که هر بخش از خطبه، در سطحی بالاتر با یکدیگر ارتباط موضوعی پیدا می‌کنند؛ آن چه که همه این مباحث را به هم پیوند می‌دهد محوریت و فاعلیت عزت و کبریایی خدا و منع از تبعیت از شیطان است. (آل بویه و نظری، بی تا: ۳۰)

اما مسئله مورد توجه این بخش، نامگذاری خطبه و توجه به کاربرد آوایی لفظ و درک بار معنایی مرتبط با محتوای خطبه است؛ چراکه حروف "ق، ص، ع" از قاصعه، هر سه از نظر آواشناسی دارای شدت و صلابت معنایی هستند (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷)، و این با مفهوم کلی خطبه که تحذیری می‌باشد و در آن امام علیه السلام به مردم هشدار می‌دهد که از تبعیت از شیطان برحذر باشند، متناسب است.

۱-۵. بررسی آوایی و معنا شناسی فرازهای مختلف خطبه

۱-۱-۵. فراز نخست

در این فراز که بخش آغازین خطبه بوده و با حمد و ثنای الهی شروع می‌شود امام علیه السلام از ریتمی نرم و کند بهره گرفته است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَبَسَ الْعِزَّ وَالْكَبْرِيَاءَ وَ اخْتَارَهُمَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَلْقِهِ وَ جَعَلَهُمَا حِمَى وَ حَرَمًا عَلَى غَيْرِهِ وَ اصْطَفَاهُمَا لِجَلَالِهِ». (خطبه ۱۹۲)؛ «ستایش خداوندی را سزاست که لباس عزت و بزرگی پوشید و آن دو را برای خود انتخاب کرد و از دیگر پدیده‌ها باز داشت. و آن دو را برای بزرگی و عظمت خویش برگزید». (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱)

چنان که ملاحظه می‌شود تکرار بیش از سه بار حرف "الف" که جزء حروف مدی و بیانگر امتداد و کشیدگی است در این عبارت با مضمون کلام که اشاره بر عزت و بزرگی خالق و سیطره او بر مخلوقات است همخوانی دارد. این نوع واژه‌های کشیده در کلام سبب می‌شود سرعت متن نرم و آرام شود و نوعی حس آرامش به مخاطب منتقل شود. هم‌چنین حرف "ه" به عنوان ضمیر مفرد در "لنفسه، غیره، نازعه، عباد" و ضمیر مثنی در "اختارهما، جعلهما، اصطفاهما" که بیش‌ترین بسامد را در این فراز دارد، جزء حروفی می‌باشد که دارای رخاوت است، به ویژه آن که در حالت مثنی با "الف" همراه شده و الف در خود امتداد و کشیدگی صوت را به همراه دارد. (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷) و نرمی کلام حضرت را هنگام ستایش خداوند بیش‌تر آشکار می‌سازد.

هم‌چنین در ترتیب قرار گرفتن فعل‌های "اختارهما، جعلهما، اصطفاهما" به صورت متوالی، رابطه ارگانیکی بین کلمات احساس می‌شود؛ یعنی لباس عزت و کبریایی خدا تصادفی نیست، بلکه بنا بر ضرورت تحقق یافته است.

۵-۱-۲. فراز دوم

در بخش دوم امام علیه السلام شیطان را رأس عصیان معرفی می‌نماید و در تأیید کلامش به این آیه قرآن استناد می‌کند که می‌فرماید: «... إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ إِلَّا إِبْلِيسَ» (حجر/۲۸-۳۰)؛ «من بر آن هستم بشری از گلی خشک برآمده از لایسی بویناک بیافرینم. پس هنگامی که او را به اندام برآوردم و در او از روان خویش دمیدم، برای او به فروتنی در افتید. آن‌گاه همه فرشتگان فروتنی کردند جز ابلیس...». (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۲۶۳)

آن‌گاه حضرت می‌فرماید: «إِعْتَرَضَتْهُ الْحَمِيَّةُ؛ «حسادت او را فرا گرفت» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱) در این قسمت نیز حرف "هـ" بیش‌ترین تکرار را دارد: "خالقه، علیه، أصله، صغره، تکبره، وضعه، ترفعه، جعله، له...". در این فراز آمده: «فَأَفْتَحَرَ عَلَى آدَمَ بِخَلْقِهِ وَ تَعَصَّبَ عَلَيْهِ لِأَصْلِهِ فَعَدُوُّ اللَّهِ إِمَامُ الْمُتَعَصِّبِينَ ... أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ صَغَّرَهُ اللَّهُ بِتَكْبُرِهِ وَ وَصَّعَهُ بِتَرْفَعِهِ...» (خطبه ۱۹۲) "شیطان بر آدم به جهت خلقت او از خاک فخر فروخت و با تکیه به اصل خود دچار تعصب و غرور شد. پس شیطان دشمن خدا و پیشوای متعصب‌ها و سرسلسله متکبران است ... آیا نمی‌نگرید که خدا به خاطر خود بزرگ بینی، او را کوچک ساخت و به جهت بلند پروازی او را پست و خوار گردانید؟». (همان)

این حرف در کنار رخوت، گاهی اضطراب، تخریب و تلاشی را به همراه دارد (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷)، و با تکرار آن که در بیش‌تر موارد به شیطان برمی‌گردد ضمن بیان ماهیت شیطان، به عاقبت شومی که به آن دچار شده و به واسطه آن، اعمال و عباداتش تباه گشته، اشاره نموده است، و به انسان‌ها هشدار داده که در صورت دنباله‌روی از شیطان، به سرنوشتی مشابه او - که هولناک و پر اضطراب است - دچار می‌شوند.

۵-۱-۳. فراز سوم

این بخش نیز با بیانی مفصل‌تر از ماجرای شیطان و سرانجام اعمالش اشاره می‌کند، از این رو بیش‌ترین بسامد را حروفی دارند که متمایز به ویژگی کوبندگی و شدت هستند: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ وَ كَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَا يُدْرَى أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الآخِرَةِ عَنْ كَثِيرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ.»؛ «پس از آن‌چه خداوند نسبت به ابلیس انجام داد، عبرت بگیرید؛ زیرا خداوند اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم او را با تکبر از بین برد. او شش هزار سال عبادت کرد که مشخص نمی‌باشد از سال‌های دنیا یا آخرت است؛ اما با ساعتی تکبر همه را نابود ساخت.» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱) استفاده زیاد از سکون در همخوان‌ها، طول بلند عبارات، استفاده زیاد از حروف با مخارج دور از هم، بر کوبندگی وصلابت لحن شدتی بیش‌تر بخشیده است.

۵-۱-۴. فراز چهارم

این بخش از ریتم تحذیری بهره‌ای فزون‌تر برده است؛ چرا که امام دوباره با تأکیدی بیش‌تر ما را از شیطان برحذر می‌دارد: «فَاخْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَذِّبَكُمْ بِدَائِهِ وَأَنْ يَسْتَفْزِكُمْ بِدَائِهِ وَأَنْ يُجْلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَرَجُلِهِ»، «ای بندگان خدا! از دشمن خدا پرهیز کنید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد. وبا لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد.» (همان، ۲۷۳) استفاده پر تکرار از ضمیر "کم" و همنشینی دو حرف "ک" با ویژگی شدت، تراکم، تأکید و تجمیع، و "م" که در آن انقباض و انطباق وجود دارد (علایلی، ۱۹۸۸: ۶۳-۶۴) با ریتمی کوبنده‌تر همه مخاطبان را از فریفتگی شیطان برحذر می‌دارد. تنها در این فراز امام علیه السلام ۳۰ مرتبه از واژه "کم" استفاده کرده است.

۵-۱-۵. فراز پنجم

در این فراز که آن حضرت مخاطبان را به ترک اخلاق جاهلی فرمان می‌دهد بیش‌ترین بسامد مربوط به حرف "تاء" - اعم از کشیده و مدور - است "محاربة، حمية، جاهيلة.. تشابهت، متابعت، تضایقت"، در «أَفْسَدْتُمْ فِي الْأَرْضِ مُصَارَحَةً لِلَّهِ بِالْمُنَاصِبَةِ وَمُبَارَزَةً لِلْمُؤْمِنِينَ بِالْمُحَارَبَةِ فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ ... أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ وَتَتَابَعَتِ الْقُرُونُ عَلَيْهِ وَكَبْرًا تَضَائِقَتْ الصُّدُورُ بِهِ»؛ «در زمین در دشمنی با خداوند فساد به راه انداختید، و آشکارا با بندگان خدا به نبرد پرداختید، خدا را خدا را، از تکبر و خودپسندی و از تفاخر جاهلی بر حذر باشید ... کبر و خود پسندی چیزی است که قلب‌های متکبران را همانند کرده تا قرن‌ها به تضاد و خونریزی گذرانند و سینه‌ها از کینه‌ها تنگی گرفت.» (دشتی، ۱۳۸۶، ۲۷۳). و از آن جا که حسن عباس برای این حرف در کنار رقت و اضطراب، معانی متعدد، از جمله شدت، غلظت و قساوت ذکر می‌کند (عباس، ۲۰۰۴: ۵۶)؛ لذا جزء حروف مهموس^(۴) به شمار می‌رود؛ ریتم سریع و تند کلام در پی تکرار متعدد این حرف با حالت انفجاری آوای آن، بیش‌تر به پستی کبر و بی‌ارزشی عمل متکبر تأکید دارد.

۵-۱-۶. فراز ششم

در این فراز با محتوای پرهیز از پیروی از سران متکبر و خودپسند، سپس دعوت به تقوای خدای با عظمت، کلام امام علیه السلام با کثرت تکرار در حروف مد "الف و واو" همراه شده است: "سادات، کبرائکم، دعائم، أزداد، ترفعوا، لاتکونوا، آلائه، لاتطیعوا، صفوف، فسوق"؛ «فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكِبْرَانِكُمْ ... فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أَسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ وَدَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ ...» «زنهار، زنهار، از پیروی و فرمانبری سران و بزرگانتان ...

آنان شالوده‌ی تعصب جاهلی و ستون‌های فتنه هستند...» (همان) و این دو حرف جزء حروف لین و جوفی به شمار می‌روند. (همان، ۵۹) کاربرد این حروف مد، به ابهت و صلابتی خاص منجر شده تا به این وسیله و با به رخ کشاندن قدرت خداوند بر بنده، او را از راه خطایی که در انتظار او می‌باشد، باز دارد.

۵-۱-۷. فراز هفتم

آغاز این فراز از خطبه نیز با آوای کشیده همراه است: "فَاعْتَبِرُوا، اَنْعَطُوا، اسْتَعِيدُوا"؛ «فَاعْتَبِرُوا بِمَا اَصَابَ الْاُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ ... وَ اَنْعَطُوا بِمَتَاوِي حُدُودِهِمْ وَ مَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ وَ اسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ»؛ «از آنچه بر ملت‌های متکبر گذشته عبرت بگیرید ... از قبرها و خاکی که بر آنچه رخ نهادند و زمین‌هایی که با پهلو بر آن افتادند، پند پذیرید.» (همان، ۲۷۵) این کشش صوت اگرچه با نوعی رخوت و نرمی همراه است؛ اما آهستگی در ریتم کلام در آن، موجب صلابت سخن شده و بیانگر اهمیت موضوع است. در این بخش بیش‌ترین بسامد از آن حرف "واو" است به گونه‌ای که بزرگان علم آواشناسی از جمله حسن عباس و علایلی برای این حرف، معنای الصاق و استمرار قایل می‌باشند. (علایلی، ۱۹۸۸: ۶۴)، و به نظر می‌آید که غرض امام علیه السلام از تکرار این حرف، تداوم دعوت به عبرت آموزی است.

۵-۱-۸. فراز هشتم

امام در اشاره به تواضع انبیای الهی در این بخش، از تکرار حرف "همزه" که در آن شدت و انفجار صوت نهفته است (انیس، ۱۳۷۴: ۲۳) بهره گرفته است. آنچه در این قسمت ملاحظه می‌شود رعایت موسیقی کلام برای اثرگذاری فزون‌تر است، هم‌چنین تکرار بسیار زیاد حرف "واو" به دلیل گوناگونی انسجام، و پیوستگی عبارات (حسینی، ۱۳۹۳: ۱۲) از بسامدی بالا در این قسمت برخوردار و این تکرار در آهنگین شدن کلام مؤثر است: «أَنْ يَفْتَحَ لَهُمْ كُنُوزَ الدَّهْبَانِ وَ مَعَادِنَ الْعُقَيَانِ وَ مَعَارِسَ الْجِنَانِ»؛ «درهای گنج‌ها و معدن‌های جواهرات و باغ‌های سرسبز را به رویشان می‌گشود». (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۷)

در این فراز هم‌چنین کاربرد زیاد حرف "الف" و هم‌نشینی آن با "نون" که یکی از کاربردهای آن احاطه و استقرار است (علایلی، ۱۹۸۸: ۶۴) در کنار یکدیگر، احاطه و قدرت خدا را در ارسال رسولان الهی علیهم السلام برای هدایت انسان به اثبات رسانده است.

۵-۱-۹. فراز نهم

در این قسمت که آن حضرت درباره‌ی کعبه، مالکیت آن و موقعیت مکانی‌اش سخن می‌گوید حرف "لام" بیش‌ترین بسامد را دارد؛ حرف لام جزء حروف دارای رخوت بوده و مالکیت و نوعی احساس

تملك را در خود دارد (همان)، از این رو، حرف یادشده با دلالت آوایی خود متناسب با واقعیتی می‌باشد که در بیان صفات الهی وجود دارد؛ یعنی مالک حقیقی این خانه خدا است که به آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و پیامبران پس از او دستور بنای کعبه را داده است؛ این حرف در روانی و دلنشینی موسیقایی تأثیر دارد و از خفیف‌ترین آواها در بیان به شمار می‌رود. آن‌جا که می‌فرماید: «ثُمَّ وَضَعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا»؛ «سپس آن - کعبه - را در سنگلاخ‌ترین مکان‌ها قرار داد.» (دستی، ۱۳۸۶: ۲۷۷) در کنار هم قرار دادن سه حرف "ع، ق، ض" در یک عبارت که هر سه از شدت و صلابت آوایی برخوردار هستند (فرید عبدالله، ۲۰۰۸: ۱۳۵) بر صلابت و سختی زمینی که کعبه در آن بنا شده، از تأکیدی بیش‌تر برخوردار است. آوردن "أوعر" به شکل اسم تفضیل؛ یعنی آن‌جا از همه جا سخت‌تر است به حدی که در آن گیاهی نمی‌روید و گرما و سرما در سنگ‌های آن اثر نمی‌کند (منتظری، ۱۳۶۸: ۱۳۲)؛ هم‌چنین در ادامه نیز از حروفی استفاده شده که دلالت آوایی شان مؤکد خشونت و سختی است: «أَصْبَحَ بَطُونِ الْأُودِيَةِ قَطْرًا بَيْنَ جِبَالٍ حَشِينَةٍ وَ رَمَالٍ دَمِشَةٍ؛ «کم فاصله‌ترین دره‌ها، در میان کوه‌های خشن، سنگریزه‌های فراوان» (دستی، ۱۳۸۶: ۲۷۷) استفاده آوایی از حروفی دارای شدت و خشونت کاملاً مطابق با محتوای کلام در خصوص سختی زمینی می‌باشد که کعبه در آن بنا شده است.

۵-۱-۱۰. فراز دهم

در این قسمت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ از شیوهٔ تحذیری استفاده می‌کند و انسان را از ظلم و کبر و کیده‌های شیطان برحذر می‌دارد. شروع این قسمت با ضرب آهنگ "الله الله" شروع شده که بر صلابت ریتم کلام می‌افزاید. در این فراز حضرت با تکرار لفظ "الله" به طور قاطع و کوبنده از مخاطبان می‌خواهد که از ظلم و سرکشی برحذر باشند. «فَاللَّهِ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبُئْهِ وَ آجِلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ»؛ «خدا را خدا را، بترسید از تبهکاری در این جهان و کیفر ستمگری در آن جهان.» (همان، ۳۷۸)

۵-۱-۱۱. فراز یازدهم

در بیان فضیلت فرایض و اهمیت واجبات دینی در این فراز، صلابت و شدت کلام امام عَلَيْهِ السَّلَامُ مبنی بر منع ترک واجبات و فرایض دینی، در استفاده از حروف مجهور^(۵) "ح، ض، ط، ق، ع" قابل لمس است؛ چرا که این حروف به دلیل برخورداری از شدت و صلابت آوایی کاملاً با محتوای خطاب مبنی بر نهی شدید همخوانی و تناسب دارند. حضرت می‌فرماید: «وَ عَنْ ذَلِكَ مَا حَزَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَ

الزَّكَاةَ وَ مُجَاهِدَةَ الصِّيَامِ فِي الْيَتَامِ الْمَفْرُوضَاتِ»، «خداوند بندگان مؤمن خود را از دام شیطان ننگه می‌دارد به نمازها و زکات و مجاهدت‌ها در گرفتن روزه در روزهایی که واجب است.» (همان)

۱-۱۲. فراز دوازدهم

در این قسمت از خطبه، اغنیا و مترفین از تعصب به مال و منال دنیایی بازداشته می‌شوند. امام علیه السلام با کاربرد متعدد دو حرف "الف و لام" که در هر دو نوعی امتداد و کثرت (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷) وجود دارد از مترفین می‌خواهد به جای افزایش مال و تعصب ورزیدن به آن، به کسب ملکات انسانی بپردازند: «فَإِنَّ كَانَ لَا بُدَّ مِنَ الْعَصَبِيَّةِ فَلْيُكُنْ تَعْصِبُكُمْ لِمَكَارِمِ الْخِصَالِ وَ مَحَامِدِ الْأَفْعَالِ وَ مَحَاسِنِ الْأُمُورِ»، «پس اگر در تعصب ورزیدن ناچار هستید، برای اخلاق پسندیده، افعال نیکو و کارهای خوب تعصب داشته باشید» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۹) در ادامه با استفاده از حروف مد، از جمله "الف" به دلیل کشش و امتداد صوتی و تلاقی هر یک از این مصوت‌های بلند با همخوان‌ها، ریتم کلام کند و آهسته می‌شود، گویی امام علیه السلام مخاطب خود را در انجام فضایی چون وفای به عهد، داشتن عزت نفس و خصلت‌های والا و اعمال پسندیده همراهی کرده سپس با همان ریتم نرم و کند، مخاطب را به پند گرفتن و عبرت آموزی فرامی‌خواند.

۱-۱۳. فراز سیزدهم

در ادامه امام علیه السلام هم چنان نعمت‌های الهی بر بندگان را برمی‌شمرد و به ویژه از نعمت وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخن به میان می‌آورد. استفاده متوالی از سکون در کلام و همراهی مد و سکون به دلیل ایجاد مکث در سخن، مانع سرعت خواندن متن و موجب ریتم کند آن می‌شود: «فَانظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ ... فَتَذَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ اخَذُوا أَنْ تَكُونُوا أَمْثَالَهُمْ»، «به نعمت‌های بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بر آنان فرو ریخت، بنگرید که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد... پس خوب و بد احوالشان را به یاد آرید و بپرهیزید که مثل آنان باشید.» (همان، ۲۸۳) و همین آهستگی و کندی سبب دریافت اهمیت موضوع و فهم این حقیقت می‌شود که وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نعمت با برکتی برای جامعه بشری به ویژه مردم عرب به شمار می‌رود.

۱-۱۴. فراز چهاردهم

در این بخش امام به سرزنش عصیانگران می‌پردازد و از تکرار "آلا" با لحنی هشدار دهنده بهره می‌گیرد: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ تَفَضُّنُمْ ... أَلَا وَ قَدْ قَطَعْتُمْ قَيْدَ الْإِسْلَامِ ... أَلَا وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبُعْغِيِّ ...»؛

«آگاه باشید که شما هم اکنون دست از رشته اطاعت کشیدید..... و رشته پیوند با اسلام را قطع کردید.... آگاه باشید که خدا مرا به جنگ با سرکشان تجاوز کار.. فرمان داد.» (همان)، و از آن جا که حرف "همزه" از نظر آوایی دارای شدت است (انیس، ۱۳۷۴: ۲۱) و کاربرد آن در کنار حرف "ل" که بر التزام اشاره دارد (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷) می تواند بر صلابت و سنگینی لحن متکلم بیفزاید تا به این ترتیب، هشدارهای امام علیه السلام جدی گرفته شود و در دلها اثر گذارد.

۵-۱-۱۵. فراز پانزدهم

در این بخش امام از شأن و منزلت وحی سخن رانده و با تکرار حرف "ه" که اغلب در قالب ضمیر به کار رفته و مرجع آن رسول خدا صلی الله علیه و آله است از مقام و منزلت خود نزد پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می گوید. از حروف دیگر که بیشترین تکرار را در این بخش به خود اختصاص داده می توان به حرف "ی" اشاره کرد که از معانی آوایی آن تحتانیت و انفعال است (علایی: ۱۹۸۸: ۶۴): «وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ... وَصَعَنِي فِي حَجْرِهِ ... يَضْمُنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ يَكُنْفُنِي فِي فِرَاشِهِ وَ يُمَسِّنِي جَسَدَهُ وَ يُشْمِنِي عَرْفَهُ ...» «شما موقعیت مرا نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله ... می دانید ... مرا در آغوش می گرفت و در بستر مخصوص خود می خواباند، بدنش را به بدن من می چسباند و بوی پاکیزه او را استشمام می کردم.» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۸۵) در تمام موارد فوق امام علیه السلام از جایگاه خویش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می گوید و کاربست دو حرف "ه" و "ی" مطابق با محتوای کلام آن حضرت به کار رفته است.

۶. تأثیر بلاغت در عناصر آوایی خطبه

از آن جا که کاربست فنون بلاغی به ویژه صنعت بدیع، در اقناع مخاطب و اثر گذاری بیش تر کلام اهمیتی ویژه دارد و هدف آن تفهیم موضوعی خاص به شنونده و نفوذ در دلها است، از این رو، امام علیه السلام از این فنون به ویژه در خطبه هایش بسیار بهره برده است. به نمونه هایی از صنایع بدیعی موجود در خطبه قاصعه توجه کنید:

۶-۱. تکرار

علمای بلاغت در نشر، انواع تکرار ایقاعی، ویژگی ها و عناصر آن را بررسی کرده و تنها ارزش اصوات را مورد توجه قرار نداده، بلکه به روابط درهم تنیده ای که از تکرار الفاظ مشابه ایجاد می شود و ایقاع را به وجود می آورد نیز عنایت کرده اند، امری که موجب گشت نثر به ماده ای شعری بدل شود و هم چون شعر احساس را از نویسنده به خواننده منتقل سازد.

نویسنده با تکرار تلاش می‌کند تا کیفیت متن خود را بالا ببرد و با کم‌ترین الفاظ، معنا را در ذهن تثبیت می‌نماید و در متن موسیقی ایجاد کند (حسنی، ۱۳۹۳: ۳۷) تکرار می‌تواند بسیط و تنها در یک کلمه و یا مرکب باشد و به سیاق کلام برگردد. (همان)

- «اللَّهُ اللَّهُ فِي عَاجِلِ الْبُغْيِ وَ آجَلِ وَخَامَةِ الظُّلْمِ...»؛ «خدا را، خدا را! از تعجیل در عقوبت و کیفر سرکشی و ستم...» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۹) غرض از تکرار تشویق به عبرت آموزی از سرنوشت کسانی است که ظلم و تجاوز پیشه کردند. (اسدی، ۲۰۰۶: ۴۴۱)

- «قَالَ اللَّهُ فِي كَثِيرِ الْحَمِيَّةِ وَ فَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ...»؛ «خدا را خدا را! از تکبر و خود پسندی و تفاخر جاهلی برحذر باشید» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۳) غرض از تکرار در این فقره از کلام امیرمؤمنان علیه السلام تحذیر است؛ یعنی پرهیزید از تکبرهایی که معلول غیرت‌های غلط و یا مربوط به روحیهٔ جاهلی باشد. (منتظری، ۱۳۷۵: ۶۸) به نظر می‌رسد که امام علیه السلام در شرایطی این خطبه را ایراد فرمودند، که میان تودهٔ مردم، آداب جاهلی گسترش یافته بود، شیاطین آدم‌نما با وسوسه‌های خود بین صفوف مسلمین تفرقه افکنده بودند تا جایی که به خاطر مسایل بی‌پایه و اساس به جان یکدیگر افتاده بودند و هر یک از قبیلهٔ خود کمک می‌طلبیدند. آن‌ها مسلمانان غیر عرب را هم شأن خود نمی‌دانستند و با آن‌ها رابطه برقرار نمی‌کردند. (کمیلی، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰) در این حالت اسلوب تکرار در رساندن فریاد امام علیه السلام به گوش مردم بسیار مؤثرتر خواهد بود.

- «فَالْحَذَرُ الْحَذَرُ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كِبْرَائِكُمُ الَّذِينَ تَكْبَرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ...»؛ «برحذر باشید از پیروی از سران و بزرگانان، آنان که به اصل و نسب خود می‌نازند...» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۵) در این تکرار نیز غرض تحذیری نهفته است (اسدی، ۲۰۰۶: ۴۳۷)، و به پرهیز از تبعیت از سران قبایل اشاره دارد که به خاطر اصل و نسبشان دچار تکبر شده‌اند. امام علیه السلام با نگاه عمیق خویش، ریشهٔ بسیاری از فسادهای جامعه را وجود سران و بزرگان افراد تبه‌کار می‌داند که میان مردم اختلاف ایجاد کردند و از این چند دستگی به نفع خود بهره گرفتند. تکرار هشدار گونهٔ کلام امام علیه السلام موجب می‌شود تا مردم این بیماری اخلاقی را سبک‌شمارند بلکه در صدد رفع آن برآیند.

- تکرار لفظ "ألا" در موارد متعدد نیز در خطبه، متضمن نوعی هشدار و تحذیر است: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ... أَلَا وَ قَدْ قَطَعْتُمْ قَيْدَ الْإِسْلَامِ... أَلَا وَ قَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبُغْيِ...»؛ «آگاه باشید که شما هم اکنون دست از رشتهٔ اطاعت کشیدید... و رشته پیوند با اسلام را قطع کردید... آگاه باشید که خدا مرا به جنگ با سرکشان تجاوزکار.. فرمان داد.» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۸۳)

در تمام موارد فوق و مصادیق مشابه آن در این خطبه امام علیه السلام با کلامی تحذیری به مردم هشدار می‌دهد که از ظلم و سرکشی دست بردارند و در غیر این صورت با آن‌ها به قتال برخاوه‌د خاست.

۶-۲. تضاد و مقابله

تضاد آوردن دو لفظ است با دو معنا که در مقابل هم می‌آیند، به عبارت دیگر متکلم در سخنش دو لفظ می‌آورد که بین معانی آن دو منافرت وجود دارد. (هاشمی، ۱۳۷۶: ۳۶۶)، مثل مفهوم "دنیا و آخرت" در این عبارت: «فَجَعَلَهُ فِي الدُّنْيَا مَذْهُورًا وَ أَعَدَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ سَعِيرًا»؛ «پس او را در دنیا طرد شده قرار داد و آتش جهنم را در قیامت برای او مهیا کرد». (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱) یا دو مفهوم "تصغیر و تکبر" و نیز مفهوم "وضع و ترفع" که در مقابل هم قرار گرفته‌اند: «صَغَّرَهُ اللَّهُ بِتَكْبُرِهِ وَ وَضَعَهُ بِتَرْفُعِهِ»؛ «خدا به خاطر خود بزرگ بینی او را کوچک ساخت و به جهت بلند پروازی او را پست و خوار نمود». (همان) "وضع" به معنای پست و حقیر کردن و "ترفع" بزرگی و والایی است.

هم‌چنین در دو لفظ "خشن و دمث" در این عبارت: «بَيْنَ جِبَالٍ خَشْنَةٍ وَ رِمَالٍ دَمِيَّةٍ» "خشنه" به معنای سخت و "دمته" برعکس آن آمده؛ یعنی شن‌های نرم که نرمی آن به حدی است که نمی‌شود به راحتی در آن حرکت کرد و پای انسان در آن فرو می‌رود. (منتظری، ۱۳۷۵: ۱۳۲) و نیز در عبارت «فَتَدَكَّرُوا فِي الْخَيْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ»؛ «حالات گذشتگان را در خوبی‌ها و بدی‌ها به یاد آورید» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۸۱) و یا در عبارت «فَأَبْدَلَهُمُ الْعِزَّ مَكَانَ الذُّلِّ وَ الْأَمْنَ مَكَانَ الْخَوْفِ»؛ «وذلت آنان را به عزت و بزرگواری و ترس آنان را به امنیت تبدیل فرمود» (همان)؛ با دقت در تمامی موارد فوق در می‌یابیم که امام علیه السلام با همنشینی کلماتی با بار معنایی متضاد، علاوه بر ایجاد ضرب آهنگی خاص که هر یک تداعی کننده معنایی متناسب با مقصود آن حضرت می‌باشد بر زیبایی سخن نیز افزوده است؛ به طوری که مخاطب را مجذوب شنیدن دنباله کلام و به دنبال آن اثرپذیری بیش‌تر از آن می‌کند.

اما مقابله، تضاد و تنافر معنایی بین دو عبارت یا دو کلام است (هاشمی، ۱۳۷۶: ۳۶۷) در عبارت «وَاعْتَمِدُوا وَضِعَ التَّدَلُّ عَلَى رُؤْسِكُمْ وَ الْقَاءَ التَّعَزُّزُ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ»؛ «تاج تواضع و فروتنی را بر سر نهد و تکبر و خود پسندی را زیر پا بگذارید». (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۳) تضاد معنایی بین دو عبارت از نظر آوایی نیز موسیقی خاصی را به همراه دارد که متناسب با مقصود امام علیه السلام، متضمن تأکید ویژه بر گزینش فروتنی و به دورافکندن خود کامگی است.

۳-۶. جناس

جناس توافق دو لفظ است که معنایشان با هم تفاوت دارد. جناس می‌تواند تام باشد؛ یعنی دو لفظ از هر جهت (تعداد، نوع، هیئت و ترتیب حروف) مشابه هم باشند و یا ناقص باشد، مثلاً در تعداد یا ترتیب و یا چیزهای دیگر با هم اختلاف داشته باشند. (عاملی، ۲۰۱۲: ۱۷۴)

در واقع جناس از یک سو در کلام موسیقی ایجاد می‌کند و از یک سوی دیگر، سبب تداعی معانی مختلف در یک لفظ می‌شود و در نتیجه به گسترش تخیل و ایجاد کشش و جلب توجه شنونده می‌انجامد. (تجلیل، ۱۳۶۷: ۲)

به انواع جناس موجود در خطبه قاصعه توجه نمایید:

۱-۳-۶. جناس مصحف

جناسی است که دو لفظ در کتابت شکل حروف متفق باشند و در نقطه‌ها مختلف، به گونه‌ای که اگر نقطه‌های یکی یا هر دو از بین برود از یکدیگر قابل تشخیص نیستند (سالم و حاجی‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۸)، مثل جناس بین "سته و سه" در: «وَكَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ» (اسدی، ۲۰۰۶: ۴۳۲)؛ «او شش هزار سال خدا را عبادت کرد». (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱)

و بین حد و جد در: «فَأَجْعَلُوا عَلَيْهِ حَدَّكُمْ وَ لَهُ جَدُّكُمْ»؛ «پس آتش خشم خود را برای او (شیطان) به کار گیرید و ارتباط خود را با او قطع کنید». (همان، ۲۷۲) لازم به ذکر است که بین دو کلمه "حد و جد" جناس لاحق نیز وجود دارد؛ چرا که در واقع دو حرف "ج و ح" بعید المخرج هستند؛ به این جهت این دو حرف از نظر آوایی دارای حرارت و شدت هستند؛ امام علیه السلام با کار بست آن به زیبایی، مفهوم جدیت داشتن در دفع و دوری از شیطان را به ذهن شنونده تداعی می‌کند.

۲-۳-۶. جناس ناقص

جناسی است که در آن دو لفظ در یک یا چند مورد از موارد (نوع یا تعداد یا حرکات و سکونات یا ترتیب) با هم متفاوت باشند. (هاشمی، ۱۳۷۶: ۴۱۵)

در «إِذَا أَحْبَبْتَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ»؛ «که اعمال فراوان و کوشش‌های مداوم او را از بین برد» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۱) بین "جهد و جهید" جناس ناقص از نظر تعداد حروف وجود دارد. با دقت در این عبارت در می‌یابیم که امام علیه السلام برای بیان میزان سعی و تلاش شیطان در عبادت بسیار و بطلان سریع و یکباره همه آن اعمال به واسطه تکبر، چگونه واژه‌های متجانس را به زیبایی در کنار هم قرار می‌دهد.

۶-۳-۳. جناس اشتقاق

جناس اشتقاق استعمال دو یا چند لفظ در یک کلام است که از ریشه‌ای واحد مشتق شده است (هاشمی، ۱۳۷۶: ۳۹۷) در «فَلَوْ رَخَّصَ اللَّهُ فِي الْكِبْرِ لِأَخِي مِنْ عِبَادِهِ ... وَ لَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ كَرَّهَ إِلَيْهِمُ التَّكَاثُرَ...»؛ «اگر خدا تکبر ورزیدن برای بنده‌ای از بندگانش را اجازه می‌داد ... ولی خدای سبحان تکبر را نسبت به آنان ناپسند دانست». (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۵) حرف "ک" در هر دو عبارت با نوعی احتکاک و خشونت همراه است (عباس، ۲۰۰۴: ۲۷) که بر معنای منفور بودن این عمل، تأکیدی بیش‌تر دارد و به زیبایی بار معنایی را بر لفظ حمل می‌کند.

۶-۴. مراعات نظیر

هدف امام علیه السلام از به کارگیری این آرایه، عینیت بخشیدن و روشن سازی مفاهیم مورد نظر آن حضرت برای مخاطب است. در عبارت «فَاخَذُوا عِبَادَ اللَّهِ عِدُو اللَّهِ أَنْ يُعَدِّكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يَسْتَفْزِكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يُجَلِبَ عَلَيْكُمْ بِخَيْلِهِ وَ رَجَلِهِ [رَجَلِهِ] فَلَعَمْرِي لَقَدْ فَوَّقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَ أَعْرَقَ إِلَيْكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ وَ رَمَاكُمْ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ»؛ «ای بندگان خدا! از دشمن خدا بپرهیزید، مبادا شما را به بیماری خود مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت در آورد. و با لشکرهای پیاده و سواره خود بر شما بتازد. به جانم سوگند، شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چله کمان گذارده و تا حد توان کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است» (دشتی، ۱۳۸۶: ۲۷۲) بدون شک، امام علیه السلام واژه‌ها را بدون هدف و صرفاً برای تزیین لفظ این گونه چینش نکرده است، بلکه قطعاً بین الفاظ به کار گرفته شده و درک واضح‌تر معنای مقصود مناسبتی وجود دارد.

پیوند زیبایی معنای ظاهری واژگان با مفهوم ذهنی به کار رفته توسط امام علیه السلام، تصور به دام کشیده شدن انسان توسط شیطان را در ذهن، به شکلی عینی‌تر و محسوس‌تر تداعی می‌کند.

چنان که ملاحظه می‌کنید بین الفاظ خَيْلٍ، رَجُلٍ، سَهْمٍ (لشکر پیاده و سواره، تیر و کمان) که همه از ابزار و مفاهیم جنگی و یادآور میدان نبرد هستند، مناسبت معنایی وجود دارد. در حقیقت امام علیه السلام با استفاده از این الفاظ خشن، روی آوردن شیطان را به صحنه کارزاری مانند کرده که انسان در معرض خطر و تهدید دائمی آن قرار دارد.

کاربرد سوگند "العمری"، خود تأکید هنری و زیبایی کلام امام علیه السلام را افزایش داده به گونه‌ای که با این سوگند سبب تشویق مخاطب به بیداری و دوری از شیطان شده است (ابن میثم، بی تا: ۲۵۰/۴) هم‌چنین وجود سجع پیاپی میان "خَيْلِهِ وَ رَجَلِهِ" و "سَهْمِ الْوَعِيدِ وَ النَّزْعِ الشَّدِيدِ" و مکان "قَرِيبٍ" نیز بر زیبایی و موسیقی کلام افزوده است.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب بر می آید که متن خطبه قاصعه نسبت به ویژگی های آوایی بی تفاوت نیست؛ گویی با این ویژگی فاصله تاریخی و زمانی گوینده و شنونده در هر زمان و مکانی حذف می گردد و شنونده در هر عصری کلام گوینده را به صورت متنی زنده و پویا درک می کند.

- حروف و واژگان در خطبه قاصعه به گونه ای گزینش و چیدمان شده که با معنا و مفهوم کلی خطبه متناسب است. این خطبه بیانگر تحذیر است به گونه ای که امام علیه السلام در آن با تأکید و شدت به مردم هشدار می دهد که از پیروی از شیطان برحذر باشند؛

- ویژگی های آوایی متعدد در خطبه به انتقال لحن متکلم به متن نوشتاری سپس به مخاطب منجر شده است؛ گزینش و چینش واژگان به گونه ای است که موسیقی الهام بخشی را تداعی می کند که می تواند با توجه به محتوای موضوعی آن را به تصویر بکشد؛

- نظم و آهنگ در جای جای خطبه مشاهده می شود در عین آن که آهنگ و گزاره های خطبه با توجه به مضامین مختلف با یکدیگر متفاوت است؛ مثلاً آوای جملات مربوط به تهدید و هشدار با آوای مرتبط با تحمید و توصیف با هم تفاوتی قابل ملاحظه دارند. عبارت پردازی های زیبا، آرایش لفظی و آهنگ کلام امام علیه السلام به محتوای سخن جان می بخشد و روح مخاطب را به تسخیر در می آورد؛

- در این خطبه از الفاظی با بار موسیقایی خاص، برای فهم دقیق استفاده شده است و تناسب میان لفظ و معنا چنان نیکو رعایت شده که این امر اوج بلاغت کلام امیر مؤمنان علیه السلام را به نمایش می گذارد؛ - با استفاده از صنایع مختلف بدیعی، مثل تکرار، سجع، جناس، تضاد و مراعات نظیر، نوعی ضرب آهنگ زیبا در کلام در این خطبه ایجاد شده که به تداعی معانی یک لفظ منجر می شود، به گونه ای که مخاطب به روشنی تناسب معنایی آن را با الفاظ در می یابد؛

- امام علی علیه السلام علاوه بر بهره مندی از واژگان متناسب و بلیغ، کلامشان از ریتمی خاص برخوردار است که درون مخاطبان نفوذ می کند و احساسات آنها را برمی انگیزد. و واضح است که موزون بودن کلام علاوه بر زیبایی لفظی، به فهم کلام آن حضرت و حفظ آن کمک می کند و هم از رخوت آن می کاهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانشمند زبان شناس عربی اهل مغرب؛ وی اولین کسی بود که در کشور مغرب، معجمی برای اصطلاحات علمی (فیزیک، شیمی، طب) با نام "المعجم الموحد" نوشت.
۲. واکه یا مصوت، آن‌هایی هستند که به هنگام ایجادشان، گذرگاه هوا (حلق و دهان) کاملاً باز است و به دو دسته مصوت کوتاه و بلند یا کشیده تقسیم می‌شود. (عکاشه، ۱۴۲۶: ۱۷)
۳. آواهای همخوان یا صامت، آن‌هایی هستند که به هنگام تلفظشان، گذرگاه هوا در نقطه‌ای در داخل دهان مسدود می‌شود. (وال ورک، بی‌تا: ۳۰)
۴. همس؛ یعنی غیر ظاهر، حروفی را شامل می‌شود که به علت ضعف تکیه بر مخارج، آواز خفیف آوایشان در هنگام تلفظ کم کم ضعیف می‌شوند؛ مثل ت، ث، ح، خ، س، ش، ص، ک، (پورفرزب، ۱۳۷۷: ۵۲)
۵. جهر؛ یعنی صوت قوی، و در اصطلاح آواهایی هستند که در اثنای تولید آن‌ها تارهای صوتی در حنجره به ارتعاش در می‌آیند. (انیس، ۱۳۷۴: ۲۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ

۱. آل بویه، عبدالعلی و نظری، علیرضا (بی تا)، هم آوایی واژگانی و نقش آن در انسجام خطبه‌های نهج البلاغه، فصلنامه ادبیات دینی، شماره ۳، صص ۲۳-۴۴.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن محمد (۱۹۹۵)، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳. ابن جنی (۱۹۵۲)، الخصائص، تحقیق محمد علی النجار، ط ۳، قاهرة: دار الکتب المصریة.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، ضبط و تحقیق عبد السلام محمد هارون، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الإسلامی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۹۸۸)، لسان العرب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶. ابن میثم بحرانی، کمال الدین علی (بی تا)، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة.
۷. أبو زید، أحمد (۱۹۹۲)، التناسب البیانی فی القرآن، رباط: الدار البیضاء.
۸. اختیار، منصور (۱۳۴۸)، معنی شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. اسدی، عادل حسن (۲۰۰۶)، من بلاغة الإمام علی علیه السلام فی نهج البلاغه، قم: مؤسسة المحبین.
۱۰. انیس، ابراهیم (۱۳۷۴)، آواشناسی زبان عربی، ترجمه ابوالفضل غلامی و صفر سفیدرو، چاپ اول، قم: نشر اسوه.
۱۱. باقری، مهری (۱۳۶۷)، مقدمات زبان شناسی، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۱۲. بی‌پرویش، مانفرد (۱۳۶۳)، زبان شناسی جدید، ترجمه محمد رضا باطنی، چاپ دوم، تهران: نشر آگاه.
۱۳. پورفرزب، ابراهیم (۱۳۷۷)، تجویده جامع، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.
۱۴. پیر کومله، مائه (۱۳۹۳)، بررسی دلالتی و معنایی سوره مریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۱۵. تجلیل، جلیل (۱۳۶۷)، جناس در پهنه ادب فارسی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۶. حاجی زاده، مهین (۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل نگرش‌های آوایی و واج شناسی ابن جنی»، مجله علمی پژوهشی زبان و ادبیات عربی، شماره ۱، صص ۴۱-۶۳.
۱۷. حسنی، منصوره (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای ساختار آوایی خطبه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قزوین.
۱۸. حق شناس، علی محمد (۱۳۷۶)، آواشناسی (فونتیک)، چاپ پنجم، تهران: چاپ نقش جهان.
۱۹. خاقانی، محمد و یوسف فضیلت (۱۳۸۵)، «دلالت آوایی در آیه‌های وعد و وعید قرآن کریم»، دو فصلنامه قرآن در آیین پژوهش، سال اول، شماره ۱۰، صص ۷۹-۱۰۱.
۲۰. دشتی، محمد (۱۳۸۶)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، تهران: نشر سرور.

۲۱. سالم، شیرین و مهین حاجی زاده (۱۳۹۱)، «زیباشناسی گونه‌های جناس در نهج البلاغه»، پژوهشنامه علوم پژوهشگاه علوم انسانی، سال ۳، شماره ۱، صص ۶۷-۹۰.
۲۲. صفوی، کوروش (۱۳۸۶)، آشنایی با معنی شناسی، تهران: نشر پژوهاک کیوان.
۲۳. عاملی، معین دقیق (۲۰۱۲)، دروس فی البلاغة، ۱، بیروت: دار جواد الأئمة.
۲۴. عباس، حسن (۲۰۰۴)، خصائص الحروف العربية و معانیها، دراسة، بیروت: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
۲۵. عکاشة، محمود (۱۴۲۶)، التحليل اللغوي فی ضوء علم الدلالة، قاهرة: دار النشر الجامعات.
۲۶. علایلی، عبدالله (۱۹۸۸)، تهذیب المقدمة اللغوية، بیروت: دار السؤال.
۲۷. علی الصغیر، محمد حسین (۲۰۰۰)، الصوت اللغوي فی القرآن، بیروت: دار المؤرخ العربي.
۲۸. فريد عبدالله، محمد (۲۰۰۸)، الصوت اللغوي و الدلالة فی القرآن الکریم، ۱، بیروت: دار الهلال.
۲۹. فلاح، ابراهیم و سجاد شفیعی‌پور (۱۳۹۴)، «کاربرد شناسی نشانه‌های آوایی در نظام معنایی قرآن»، دوفصلنامه پژوهش های قرآنی در ادبیات، شماره ۱، صص ۴۱-۶۳.
۳۰. قربانپور، لیلا (۱۳۹۱)، بررسی دلایلی سوره ابراهیم و یوسف علیهم السلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۳۱. کانتینو، جان (۱۹۶۱)، دروس فی علم الأصوات العربية، تعریب: صالح قرماوی، تونس.
۳۲. مالکی، ام البنین (۱۳۸۹)، الدلالة الصوتية فی خطب نهج البلاغة، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۳۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۸)، شرح خطبة قاصعه، چاپ اول، تهران: نشر اطلاعات.
۳۴. مهدی عواد، عبد الحسین (۲۰۰۸)، فقه اللغة العربية، بیروت: مؤسسة العارف للمطبوعات.
۳۵. نجاریان، ماجد (۱۳۸۵)، الدلالة الصوتية فی القرآن الکریم، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
۳۶. وال وارک، جی. اف (بی تا)، زبان و زبان شناسی، ترجمه حمید سرهنگیان، تبریز: چاپخانه شفق.
۳۷. هاشمی، احمد (۱۳۷۶)، جواهر البلاغة، ط ۷، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الإسلامی.
۳۸. یول، جورج (۱۳۷۰)، بررسی زبان، مبحثی در زبان شناسی همگانی، ترجمه اسماعیل جاویدان و حسین وثوقی، چاپ اول، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.